

بررسی میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز با توجه به متغیرهای جمعیت‌شناختی

دکتر رحمت‌اله مرزوقی**
دکتر نظام‌الدین فقیه***
دکتر محبوبه فولادچنگ***

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز است. بدین منظور نمونه‌ای به حجم ۲۰۳ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای از بین استادان دانشکده‌ها انتخاب گردید. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته‌ی بررسی میزان آزادی علمی استادان استفاده شد. در این تحقیق، تأثیر پنج عامل دانشکده، سابقه‌ی کار، جنسیت، مرتبه‌ی علمی و میزان آگاهی استادان از قوانین، بر میزان آزادی علمی اعضای هیأت علمی در ابعاد آموزشی، پژوهشی، سازمانی، فکری و اخلاقی- فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد که مرتبه‌ی علمی در چهار بعد آموزشی، پژوهشی، سازمانی و فکری؛ نوع دانشکده در دو بعد پژوهشی و سازمانی و میزان آگاهی استادان از قوانین، در تمام ابعاد آموزشی، پژوهشی، سازمانی، فکری و اخلاقی- فرهنگی بر میزان آزادی علمی استادان تأثیر معناداری دارد، اما سابقه‌ی کار و جنسیت استادان تأثیر معناداری نداشت. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که دو عامل مرتبه‌ی علمی و میزان آگاهی

y.d_14@yahoo.com

rmarzoghi@rose.shirazu.ac.ir

nfaghhih@rose.shirazu.ac.ir

mfouladchang@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت مقاله‌ی نهایی: ۹۰/۱۰/۲۰

* دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز

** دانشیار دانشگاه شیراز

*** استاد دانشگاه شیراز

**** استادیار دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۲

استادان از قوانین، به ترتیب، پیش‌بینی کننده‌ی میزان آزادی علمی استادان می‌باشند، بدین معنی که استادان برخوردار از رتبه‌ی علمی بالاتر، میزان آزادی علمی بیش‌تری را احساس می‌کنند. هم‌چنین، افرادی که آگاهی بیش‌تری نسبت به قوانین دانشگاه دارند، بیش‌تر از سایرین دارای آزادی علمی هستند.

کلید واژه‌ها: آزادی علمی، استادان، متغیرهای جمعیت‌شناختی، دانشگاه شیراز.

مقدمه

امروزه سرعت سرسام‌آور پیشرفت‌های علمی تا بدان جا فزونی یافته که گروهی به نام طرفداران مکتب علم‌گرایی^۱، مبهوت آن گردیده و گرایش دارند در تمام ارکان زندگی خویش، علم را سرلوحه کار قرار دهند. در مقابل گروه دیگری به نام جنبش ضدعلم^۲، از چنین تندروی‌هایی به ستوه آمده، خواستار استفاده از روش‌های ساده‌تر و نزدیک‌تر به طبیعت در زندگی شده‌اند (ژری ارس^۳، ۴۸-۴۵: ۱۳۷۹). گرچه هیچ یک از این دو دیدگاه به صورت مطلق پذیرفته نیست، اما باید بپذیریم که علم در دنیای کنونی به عنوان یکی از پایه‌های اساسی زندگی بشر حاکم شده است و نمی‌توان آن را نادیده انگاشت، در عین حالی که نمی‌توان همه چیز را نیز به علم سپرد، چرا که دنیای علم دارای نواقص گوناگونی است.

جدا از این مشاجرات نظری، دنیای علم به صورت غیر قابل کنترلی در حال پیشرفت و تغییر است. با این سرعت سرسام‌آور پیشرفت‌های علمی و در پی آن تغییر شتابان علم و اطلاعات علمی، فضایی متغیر و در حال رشد ایجاد شده است که در نتیجه‌ی آن، علوم در هر لحظه و در پی نقد و بررسی و تحقیق مجدد، دگرگون می‌شوند و دقیقاً در چنین فضایی است که علوم با نقد و نقادی رابطه‌ای مناسب پیدا می‌کنند (داوری‌اردکانی، ۲۳۳: ۱۳۸۶)؛ به عبارت دیگر، اگر فضای علمی و آزاد برای نقادی مباحث مختلف علمی ایجاد شود، بررسی، تصحیح، تکامل، انتقال و کاربست درست و بدون غرض‌ورزی‌های غیرعلمی و صرفاً در جهت کشف حقیقت دانش، حاصل و به صورت مداوم تکرار می‌گردد و این همان مفهوم آزادی علمی است که در نظر است در این مقاله به بررسی آن پرداخته شود؛ اما از آن‌جا که این مفهوم، مفهومی غربی است و محققان پژوهش حاضر در نظر دارند با روی‌کردی

1. scientologist school

2. anti-science movement

3. Zhry Aras

اسلامی - ایرانی به این مقوله بپردازند، لازم است در ابتدا چارچوب مفهومی بحث، در حد ظرفیت یک مقاله‌ی علمی روشن گردد.

چارچوب مفهومی

به طور مسلم فرهنگ حاکم بر هر جامعه‌ای، نقش تعیین‌کننده‌ای در کلیه‌ی امور و به‌ویژه در جهت‌گیری‌های علمی آن جامعه دارد. بی‌شک فرهنگ جامعه‌ی ما که منبعث از دین مبین اسلام است نیز چنین نقشی را بر عهده دارد. در فرهنگ اسلامی همه‌ی جهت‌گیری‌ها در جهت تأیید و پشتیبانی از علم و دانش می‌باشد؛ خدایی که بدان معتقدیم، علم و دانش را از لحاظ شرافت و ارزش در اوج همه‌ی مراتب و مقامات قرار داده و به عنوان علت کلی و اساسی در آفرینش همه‌ی پدیده‌های جهان هستی، معرفی کرده است (شهید ثانی، ۴۲-۴۳: ۱۳۶۳)؛ پیامبر و ائمه‌ی اطهار نیز در تأکید بر اهمیت علم و علم‌آموزی تا آن‌جا پیش رفته‌اند که از مسلمانان می‌خواهند ز گهواره تا گور، علم بیاموزند، حتی اگر این علم در دورترین کشورها مثل چین باشد (عابدینی مطلق، ۳۴: ۱۳۸۶). یقیناً با داشتن چنین نگاهی است که عالمان را زندگان جاوید حتی بعد از مرگشان می‌نامند (سید رضی، ۴۷: ۱۳۸۴).

به نظر می‌رسد عدم رشد علمی مناسب، دارای دلایل متعددی است. شاید یکی از مهم‌ترین آن‌ها مقوله‌ی «آزادی علمی»^۱ باشد؛ مفهومی که در معنای اخص کلمه، حتی در دنیای غرب نیز تنها در دوره‌ی جدید تاریخ دانشگاه و طی سده‌های نوزده و بیست، به صورت نهادینه درآمده است (فراستخواه، ۲: ۱۳۸۳). با این‌که در مورد این مفهوم، در دنیای غرب کارهای تحقیقاتی بسیاری صورت گرفته، اما متأسفانه در کشور ما پژوهش‌های قابل توجهی انجام نشده است بنابراین نیاز به ارائه‌ی تعریف و تبیین این موضوع و بررسی آن در جامعه‌ی علمی کشور بسیار ضروری است. اگر این مهم صورت پذیرد قطعاً امکان طرح و تولید نظرات متنوع در هر زمینه‌ای از علوم، تحقق بخشیدن و عملیاتی نمودن جنبش نرم‌افزاری و تولید فکر و علم، فراهم کردن شرایط جذاب علمی، بسترسازی برای نواندیشی علمی، تعیین راه‌های درست و گاهی میان‌بر برای رفع عقب‌ماندگی‌ها، ایجاد محیط علمی شفاف برای جلوگیری از سوء استفاده از ساحت علم، فراهم خواهد شد.

اندیشمندان و محققان بسیاری در سطح جهان، مفهوم آزادی علمی را تعریف نموده‌اند، اما متأسفانه، محققان داخلی، کمتر به این مقوله پرداخته‌اند. به همین دلیل لازم

است در ابتدا این مفهوم تعریف و تبیین گردد. تعریفی که اولاً بومی و متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و ...، جامعه باشد و ثانیاً با توجه به تعریف دو مفهوم تشکیل دهنده‌ی آن یعنی «آزادی» و «علم» باشد.

علم

علم از جمله مفاهیمی است که با توجه به نگاه‌های متفاوتی که درباره‌ی آن وجود دارد، دارای تعاریف متعددی می‌باشد و طبقه‌بندی‌های متفاوتی نیز از آن ارائه می‌شود. در یک دسته‌بندی کلی، علم به دو معنا به کار می‌رود، یکی معنای عام آن است که هرگونه آگاهی و معرفت را در بر می‌گیرد و این همان علم یا معرفتی است که در قرآن نیز از آن یاد شده است (شعاری‌نژاد، ۱۶۵: ۱۳۸۳) و دیگری معنای خاص آن که به آگاهی‌های به دست آمده از روش‌های علمی گفته می‌شود و منظور از آن، تلاشی است که برای کشف، تحلیل، پیش‌بینی و کنترل مسایل در دنیای محسوسات صورت می‌گیرد. در دسته‌بندی دیگری، علم به دو مقوله‌ی محتوایی و فرآیندی تقسیم‌بندی شده است که در تعریف محتوایی (نوعی)، مجموعه‌ای از معلومات یک‌پارچه منظور نظر می‌باشد و در تعریف فرآیندی، به کشف متغیرهای مهم در طبیعت، تعیین روابط و نیز تبیین آن‌ها اشاره می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۶۶-۱۶۵: ۱۳۸۳).

پوزیتیویست‌های مدرن^۱، علم را مجموعه‌ای از نظریات یا قضایا که بر اثر تجربه، صحت آن اثبات یا تأیید می‌شود، می‌دانند (داوری اردکانی، ۲۵۲: ۱۳۸۶). هم‌چنین در تعریف کلی دیگری، علم را «سیستمی از فرضیه‌ها (زیرنهادها) و نتیجه‌هایی می‌دانند که یا بر بنیاد سنجش منطقی استوارند یا بر بنیادآزمون» (نقیب‌زاده، ۱۰: ۱۳۸۵). بدیهی است این شناخت همواره می‌تواند در شرایط جدید مجدداً مورد آزمایش قرار گیرد و با کشف شناخت‌ها و یا روش‌های جدید تغییر یابد یا کامل گردد (رفیع‌پور، ۲۰: ۱۳۸۱).

در مجموع، با بهره‌گیری از نکات مثبت تعاریف ارائه شده می‌توان گفت که علم، مجموعه‌ای از تئوری‌ها یا قضایایی است که با تفکر و تعقل عمیق و به کمک روش‌های قیاسی یا تجربی صحیح به دست آمده باشد و در خداشناسی و رفع نیازهای مشروع فردی و اجتماعی جامعه‌ی اسلامی مؤثر باشد. در ادامه بر اساس این تعریف از علم و نیز تعریف نهایی آزادی، در نهایت تعریف آزادی علمی ارائه خواهد شد.

آزادی

در خصوص مفهوم آزادی نیز اختلاف نظرهای بسیار متنوع‌تری نسبت به تعریف علم وجود دارد، به طوری که می‌توان گفت که به تعداد صاحب‌نظران این حوزه، درباره‌ی این مفهوم تعریف وجود دارد و حتی گاهی بین متفکرین وابسته به یک مکتب فلسفی نیز اختلافات بسیاری پیرامون تعریف آزادی وجود دارد. کانت^۱ به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان دوران نو، آزادی را در چارچوب یک پیمان اجتماعی، مفید و حقیقی می‌شمارد که به کمک آن همه‌ی توانایی‌ها و جنبه‌های گوناگون هستی انسان هماهنگ با یک‌دیگر شکوفا شود (نقیب‌زاده، ۵۰: ۱۳۸۵). از سوی دیگر، جان دیویی^۲ آزادی در چارچوب عقل را آزادی حقیقی می‌داند که وقتی تحقق پیدا می‌کند که شخص بتواند قضایای مختلف را مورد مشاهده و بررسی دقیق قرار دهد، آن‌گاه با انتخاب هدف‌های اساسی و با ارزش، با کمک وسایل مقتضی در جهت نیل به این اهداف قدم بردارد (شریعت‌مداری، ۴۹: ۱۳۸۵). جان استوارت میل برخلاف کانت و دیویی، چارچوبی برای آزادی قایل نیست و آزادی حقیقی را آزادی تأمین منافع خود به هر صورتی که می‌پسندیم، تعریف می‌کند؛ البته وی نیز برای این که تعریف خود را از آنارشیسم متمایز نماید، آن را مشروط به عدم لطمه به منافع دیگران می‌داند (استوارت میل^۳، ۵۱: ۱۳۶۲). اما شاید بیش از این سه فیلسوف، مفهوم آزادی در اندیشه‌های فیلسوفان مکتب اگزیستانسیالیسم جلوه‌گر باشد به طوری که آن‌ها حتی معیار انسانیت انسان را نیز آزادی او می‌شمرند (مطهری، ۲۳۷: ۱۳۸۴) و از این لحاظ تا آن‌جا پیش می‌روند که سارتر^۴ فیلسوف نام‌آشنای فرانسوی بیان می‌دارد که اگرچه در «زمان بودن، مکان بودن، زنده بودن و کارکردن مختار نیستیم، ولی انسان در هر چیز دیگر، توانایی‌ی گزینش و انتخاب دارد» (خسروپناه، ۲: ۱۳۸۸). یعنی وی به نوعی آزادی مطلق گرایش پیدا می‌کند.

با توجه به تعاریف یادشده و استخراج ویژگی‌های مثبت و منفی هرکدام، می‌توان گفت: آزادی عبارتست از حقی که به موجب آن افراد بتوانند با داشتن انتخاب‌های مختلف، استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را در مسیر تحقق اهدافشان به‌کار اندازند، مشروط بر این که اولاً این کار در چارچوب عقل و قانونی که خود نشأت گرفته از چارچوب کامل‌تری به‌نام اسلام است، باشد و ثانیاً افراد در مقابل آزادی خود، مسؤول و پاسخ‌گو باشند.

1. Kant

2. John Dewey

3. John Stuart Mill

4. Jean Paul Sartre

آزادی علمی

آزادی علمی نیز هم‌چون دو مفهوم یادشده تعاریف بسیاری دارد. در تعریفی خلاصه و کلی، آزادی علمی را می‌توان «آزادی اعضای جامعه‌ی علمی به صورت فردی، گروهی یا جمعی در پی‌گیری، توسعه و انتقال دانش قلمداد کرد» (فراستخواه، ۲: ۱۳۸۳). همان‌گونه که دیده می‌شود این تعریف کلی و نیازمند آن است که معنای آن روشن گردد. معنای مورد نظر در این تعریف را شاید بتوان به نوعی در تعریف مورد نظر گروف^۱ مشاهده کرد. وی معتقد است که «اعضای جامعه‌ی علمی (هیأت علمی آموزشی یا پژوهشی) می‌بایست در فعالیت‌ها و کنش‌های علمی خود مستقل باشند و نباید هیچ‌گونه فشاری از جانب سازمان‌های سیاسی، مذهبی و مسلکی بر آن‌ها تحمیل شود» (گروف، ۱۹۹۸).

تعریف دیگری که از این مفهوم وجود دارد آن است که «آزادی علمی، آزادی استادان و دانشجویان در تدریس، تحقیق و پی‌گیری علوم و انجام پژوهش، بدون دخالت نامعقول قانون و مقررات، نهادهای مذهبی و یا تحت فشار افکار عمومی است» (دایره‌المعارف بریتانیا، ۲۰۰۹). از تعاریف مورد پذیرش آزادی علمی در غرب می‌توان به تعریف آن در «بیانیه لیما^۲» اشاره کرد. در این بیانیه تأکید شده است که آزادی اعضای هیأت علمی بدان معناست که «اعضای جامعه‌ی علمی به صورت فردی، گروهی یا جمعی در پی‌گیری، توسعه و انتقال دانش از طریق تحقیق، تحصیل، بحث، مستندسازی، تولید، آفرینش، تدریس، سخنرانی و مانند آن آزاد باشند» (انجمن خدمات دانشگاهی جهان، ۴، ۲۰۰۲). این تعریف با بیان ابعاد مختلف آزادی علمی، سعی در ارائه تعریفی جزئی‌نگر و در عین حال جامع دارد، اما با بررسی دقیق آن مشخص خواهد شد که از یک سو، میزان آزادی مجاز و محدوده‌ی آن مشخص نیست و از سوی دیگر، منظور از علم نیز روشن نشده است، بنابراین اگر چه در کلیات، تعریفی متناسب است اما لازم است جزئیات آن نیز روشن شود. با توجه به دیدگاه‌های بیان شده در خصوص تعریف آزادی علمی و نقاط ضعف و قوت هر کدام و با در نظر گرفتن تعاریف ارائه شده از سوی نگارندگان برای مفاهیم علم و آزادی، به نظر می‌رسد بتوان بیان داشت که آزادی علمی، حقی است که براساس آن متخصصان در هر زمینه‌ی علمی آزادند تا به تنهایی یا با تعامل با سایر متخصصان، به بررسی، تصحیح، تکامل، انتقال و کاربرد دانش بپردازند بدون آن‌که غرض‌ورزی‌های غیرعلمی از یک سو و دخالت‌های نامعقول از سوی دیگر مانع کار آن‌ها شود. این نوع آزادی علمی می‌تواند دارای ابعادی به شرح زیر باشد:

1. Groof

2. Encyclopedia Britanica

3. Lima Declaration

4. Assembly of World University Services (AOWUS)

۱- آزادی آموزشی: آزادی‌ای است که براساس آن متخصصان در هر زمینه‌ی علمی

در تدوین طرح درس، استفاده از محتوا و منابع، روش تدریس، نوع و روش ارزشیابی و نظام نمره‌دهی خود و در کل برای انتقال دانش خود آزادند، بدون آن‌که غرض‌ورزی‌های غیرعلمی از یک سو و دخالت‌های نامعقول از سوی دیگر مانع کار آن‌ها شود.

۲- آزادی پژوهشی: آزادی‌ای است که براساس آن متخصصان در هر زمینه‌ی علمی

آزادند به تنهایی یا به کمک سایر متخصصان، برای انجام پژوهش‌های مرتبط با زمینه‌ی کاری خود، با هدف بررسی، تصحیح و تکامل آن زمینه‌ها، کار کنند، بدون آن‌که غرض‌ورزی‌های غیرعلمی از یک سو و دخالت‌های نامعقول از سوی دیگر مانع کار آن‌ها شود.

۳- آزادی سازمانی: آزادی‌ای است که براساس آن متخصصان در هر زمینه‌ی علمی

از طرف سازمانی که در آن مشغول به کار هستند، برای بررسی، تصحیح، تکامل، انتقال و کاربرد دانش در مواردی هم‌چون انتقاد کردن، طرح مباحث علمی و تخصصی خود، همکاری با سایر استادان، آزاد باشند، بدون آن‌که غرض‌ورزی‌های غیرعلمی از یک سو و دخالت‌های نامعقول از سوی دیگر مانع کار آن‌ها شود.

۴- آزادی فرهنگی- اخلاقی: آزادی‌ای است که براساس آن متخصصان در هر

زمینه‌ی علمی در مواردی هم‌چون اعمال نقش الگوی اخلاقی خود، رعایت اصول اخلاق فردی و علمی، پذیرش اشتباهات علمی و مواردی از این قبیل از دخالت‌های غیرعلمی و نامعقول به دور باشند.

۵- آزادی فکری: آزادی‌ای است که در آن متخصصان در هر زمینه‌ی علمی بتوانند

در جنبه‌هایی هم‌چون نقد و بررسی افکار صاحب‌نظران، تبادل فکری و علمی، بیان دیدگاه‌های فکری خود، با سایر متخصصان در آن حوزه تعامل کنند، بدون آن‌که غرض‌ورزی‌های غیرعلمی از یک سو و دخالت‌های نامعقول از سوی دیگر مانع کار آن‌ها شود.

در پژوهش حاضر ابعاد پنج‌گانه‌ی گفته شده به عنوان مبنایی برای تدوین و طراحی پرسش‌نامه‌ی ارزیابی آزادی علمی استادان مورد استفاده قرار گرفته است، در عین حالی که از موارد بیان شده در بعضی از تحقیقات پیشین که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود نیز استفاده شده است.

در خصوص مقوله‌ی آزادی علمی، پژوهش‌هایی در خارج از کشور صورت گرفته است، اما تاکنون در داخل به این مقوله پرداخته نشده است و به همین دلیل تنها تحقیقات

خارجی بیان می‌شوند. سکران^۱ (۱۹۸۳) در تحقیقی با عنوان «آزادی علمی در پرتو قوانین آموزش عالی مصر^۲» به بررسی تأثیر مرتبه علمی استادان بر میزان آزادی علمی آنان در ابعاد پژوهشی، آموزشی و فکری-سیاسی پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان داد که بین استادان با مرتبه‌ی علمی مختلف در این سه بعد، تفاوت معناداری وجود دارد، به این معنا که در ابعاد بیان شده، استادان با مرتبه‌ی علمی بالاتر، آزادی علمی بیش‌تری نسبت به استادان با مرتبه‌ی علمی پایین‌تر داشتند.

کلیکسمن^۳ (۱۹۸۶) نیز در پژوهشی با عنوان «سیاست درهای باز دانشگاه و تأثیر آن بر آزادی علمی استادان» نشان داد استادان، فارغ از نوع دانشکده‌ی محل تدریس، جنسیت، میزان سابقه‌ی کاری و مرتبه‌ی علمی در موضوع تخصصی خود برای انجام امور آموزشی و پژوهشی آزادند و حتی قوانین جدید سازمانی خود دلیلی شده برای این‌که مسایل سیاسی و ایدئولوژیک و ...، مانع این آزادی نشوند. در پژوهشی دیگر، طناش^۴ (۱۹۹۴) تحقیقی با عنوان «مفهوم و میزان آزادی علمی اعضای هیأت علمی در دانشگاه اردن^۵»، انجام داد و بر اساس آن میزان آزادی علمی استادان در ابعاد پژوهشی و آموزشی را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد استادان از لحاظ میزان آزادی علمی در ابعاد مورد بررسی، از وضع موجود ناراضی‌اند.

از دیگر تحقیقاتی که در این باره صورت گرفته است، پژوهش کیث^۶ (۱۹۹۷) با عنوان «دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه کالیفرنیا^۷ درباره‌ی میزان آزادی علمی» می‌باشد. وی در این تحقیق به بررسی میزان آزادی علمی استادان در ابعاد آموزشی و پژوهشی پرداخته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که استادان فارغ از نوع دانشکده، محل تدریس، جنسیت، میزان سابقه‌ی کاری، از لحاظ این دو بعد، محدودیتی را احساس نمی‌کنند. ریچ^۸ (۲۰۰۲) نیز میزان آزادی فکر و بیان را به عنوان یکی از ابعاد آزادی علمی در دانشگاه فلوریدا^۹ مورد بررسی قرار داد. یافته‌های پژوهش وی حاکی از آن بود که استادان در چارچوب تعیین‌شده‌ی دانشگاه، احساس آزادی دارند و برای بیان نظرات و افکار خود محدودیتی احساس نمی‌کنند.

در پژوهشی دیگر که بولاند^{۱۰} (۲۰۰۳) در دانشگاه روچتر^{۱۱} با عنوان «میزان آزادی بیان در دانشگاه روچتر» انجام داد، نشان داد که مداخلات سیاسی باعث تضعیف میزان آزادی علمی در ابعاد آزادی فکری و آزادی بیان شده است.

-
- | | | | | |
|------------|--------------------------|-------------|-----------------------|-----------|
| 1. Socran | 2. Egypt | 3. Clicxmen | 4. Tannash | 5. Jordan |
| 6. Keith | 7. California University | 8. Rich | 9. Florida University | |
| 10. Boland | 11. Rocheter University | | | |

یکی از جالب‌ترین و عمیق‌ترین پژوهش‌ها پیرامون موضوع آزادی علمی را براون^۱ (۲۰۰۴) انجام داد تا به بررسی تأثیر تغییرات سازمانی در دانشگاه بر آزادی علمی استادان بپردازد. وی به این نتیجه رسید که تغییرات سازمانی، آزادی علمی استادان را محدود ساخته‌اند. در پژوهش دیگری حمدان^۲ (۲۰۰۸) نشان داد که بین پنج عامل تعهد سازمانی، جنسیت، سابقه‌ی کاری، مرتبه‌ی علمی و نوع دانشگاه با میزان آزادی علمی استادان تفاوت معناداری وجود ندارد.

در مطالعه‌ی دیگری باتز و والدروپ^۳ (۲۰۱۰) موضوع آزادی علمی استادان را در خصوص نمره‌دهی به دانشجویان، مورد بررسی قرار دادند. موضوع آزادی در نمره‌دهی هم در بعد اخلاقی آزادی علمی و هم در بعد آموزشی جای می‌گیرد. بعد از بررسی نتایج تحقیق، آنان متوجه شدند که استادان آزادی زیادی در این باره دارند و حتی آزادی زیاد باعث شده است تا در موارد بسیاری، استادان به صورت غیراخلاقی، نمره‌ای متفاوت از نمره‌ی کسب شده در امتحان برای دانشجویان منظور کنند که در بسیاری از موارد نیز باعث اعتراض دانشجویان گردیده است.

در پژوهشی دیگری حسین^۴ (۲۰۱۰) تحقیقی در دانشگاه کالیفرنیا انجام داد تا مشخص سازد آیا استادان دانشگاه‌های آمریکا درباره‌ی طرح مسائلی پیرامون موضوع فلسطین-اسرائیل، آزادی فکر و بیان دارند؟ آیا می‌توانند در این باره به تحقیق بپردازند و نتایج آن‌را آزادانه منتشر نمایند؟ نتایج نشان داد که استادان برای اظهارنظر در این باره به هیچ وجه آزادی ندارند.

بررسی تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد، در سه حیطه نیاز به کار تحقیقاتی وجود دارد؛ اولاً از آن‌جا که تمامی کارهای تحقیقاتی صورت گرفته، یک یا چند بُعد آزادی را مورد بررسی قرار داده‌اند، ضرورت داشت تمامی ابعاد این مفهوم به صورت هم‌زمان بررسی شود، ثانیاً بُعد اخلاقی آزادی علمی از جمله ابعادی بود که تاکنون در تحقیقات علمی مغفول مانده بود و ضرورت داشت کاری علمی در مورد آن صورت گیرد، ثالثاً اهمیت داشت که این مفهوم با رویکرد اسلامی-ایرانی نگریسته شود چرا که از جمله مفاهیمی است که بسیار متأثر از باورهای فرهنگی جوامع است. با توجه به مواردی که بیان شد، محققان پژوهش حاضر در صدد برآمدند به بررسی این مفهوم بپردازند و در همین راستا سوالات ذیل را مطرح نمودند.

۱. آیا بین میزان آزادی علمی استادان دانشکده‌های مختلف دانشگاه شیراز، تفاوت

معنادار وجود دارد؟

۲. آیا بین میزان آزادی علمی استادان مرد و زن دانشگاه شیراز تفاوت معنادار وجود دارد؟
۳. آیا بین میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز با مرتبه‌ی علمی مختلف، تفاوت معنادار وجود دارد؟
۴. آیا بین میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز با سابقه‌ی کاری مختلف، تفاوت معنادار وجود دارد؟
۵. آیا بین میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز با سطوح مختلف آشنایی با قوانین، تفاوت معنادار وجود دارد؟
۶. کدام یک از ابعاد پنج‌گانه‌ی آموزشی، پژوهشی، سازمانی، فکری و فرهنگی - اخلاقی می‌تواند آزادی علمی استادان را پیش‌بینی کند؟

روش پژوهش

هدف کلی پژوهش بررسی میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز بود. در این راستا پنج عامل دانشکده، جنسیت، سابقه‌ی کاری، مرتبه‌ی علمی و میزان آگاهی از قوانین به عنوان متغیرهای مستقل که روی آزادی علمی تأثیر می‌گذارند، انتخاب شدند. آزادی علمی به عنوان متغیر وابسته نیز در پنج بعد آموزشی، سازمانی، اخلاقی - فرهنگی، فکری و پژوهشی در نظر گرفته شد. تحقیق حاضر از لحاظ هدف «کاربردی» و از نظر چگونگی گردآوری داده‌ها و روش کار در زمره‌ی تحقیقات توصیفی و از نوع پیمایشی است.

جامعه و نمونه

جامعه‌ی آماری شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه شیراز که در دانشکده‌های فنی و مهندسی، علوم پایه، ادبیات و علوم انسانی، علوم تربیتی و روان‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، حقوق و علوم سیاسی، کشاورزی، دامپزشکی و هنر و معماری در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ مشغول به تدریس بودند، می‌باشد. براساس فهرستی که از طریق معاونت آموزشی دانشگاه در اختیار محقق قرار گرفت، تعداد کل استادان دانشگاه در این دانشکده‌ها ۵۲۲ نفر بودند. در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی از بین ۵۲۲ نفر عضو هیأت علمی موجود در ۹ دانشکده‌ی دانشگاه شیراز، نمونه‌گیری صورت گرفت. با توجه به حجم جامعه‌ی آماری و با استفاده از فرمول تصحیح شده کوکران، حجم نمونه‌ی مورد نیاز برای انجام پژوهش ۲۰۳ نفر برآورد شد که این تعداد به تفکیک هر یک از دانشکده‌ها، به شرح جدول ۱ می‌باشد.

جدول ۱: حجم نمونه بر حسب نوع دانشکده

درصد مشارکت	نمونه		جامعه		نام دانشکده	رتبه
	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
٪۷۵	٪۷/۴	۱۵	٪۳/۸	۲۰	حقوق و علوم سیاسی	۱
٪۷۵	٪۷/۴	۱۵	٪۳/۸	۲۰	هنر و معماری	۲
٪۵۶	٪۱۱/۴	۲۳	٪۷/۸	۴۱	علوم تربیتی و روان‌شناسی	۳
٪۴۷	٪۸/۸	۱۸	٪۷/۳	۳۸	اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی	۴
٪۴۶	٪۱۲/۸	۲۶	٪۱۱	۵۷	ادبیات و علوم انسانی	۵
٪۴۴	٪۹/۸	۲۰	٪۸/۶	۴۵	دامپزشکی	۶
٪۳۳	٪۱۴/۷	۳۰	٪۱۷/۳	۹۰	کشاورزی	۷
٪۳۱	٪۱۶/۳	۳۳	٪۲۰/۴	۱۰۷	مهندسی	۸
٪۲۲	٪۱۱/۴	۲۳	٪۲۰	۱۰۴	علوم پایه	۹
٪۳۸/۸	٪۱۰۰	۲۰۳	٪۱۰۰	۵۲۲	کل	

ابزار پژوهش

جهت گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته استفاده گردید. برای ساخت پرسش‌نامه از پرسش‌نامه‌ی بررسی میزان آزادی علمی استادان که توسط والتا^۱ (۱۹۹۲)، برای دانشگاه ناپرویل^۲، ساخته شده بود، به عنوان الگوی کار استفاده شد. در پرسش‌نامه والتا، در قسمت اول، اطلاعات شخصی استاد، شامل مرتبه‌ی علمی، سابقه‌ی کاری، میزان آشنایی با قوانین و منابع آگاه شدن از قوانین (بروشور، سمینار و ...) پرسیده شده است، در قسمت دوم، اطلاعاتی پیرامون دانشکده‌ای که استاد در آن مشغول به کار است مانند تعداد دانشجویان دانشکده، حوزه‌ی آموزشی دانشکده (علوم انسانی، فنی-مهندسی یا علوم طبیعی) و ... سؤال شده است. در قسمت سوم نیز سؤالات اصلی پرسش‌نامه قرار دارد که در آن با طرح ۲۰ مطلب کوتاه در مورد یک واقعه در رابطه با آزادی علمی، از استاد خواسته شده که با علامت‌زدن یکی از گزینه‌های بلی، خیر و یا نظری ندارم، موافقت یا مخالفت خود را با بحث مطرح شده بیان نماید. اما علاوه بر این الگو، بر اساس مؤلفه‌هایی که با استفاده از مصاحبه‌ی باز با تعدادی از استادان و مؤلفه‌هایی که از بررسی مجموعه‌ی ضوابط و مقررات اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور به دست آمد، این پرسش‌نامه بر مبنای تعریف نهایی از آزادی علمی جهت بررسی میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز در پنج بعد آموزشی، پژوهشی، سازمانی، فکری و فرهنگی-اخلاقی، و با ۴۶ گویه طراحی گردید. مقیاس پرسش‌نامه از نوع لیکرت بوده و در مقابل هر عبارت پنج

1. Valletta

2. Naperville

گزینه به صورت زیر قرار می‌گیرد.

کاملاً موافقم موافقم نظری ندارم مخالفم کاملاً مخالفم
 گویه‌های شماره ۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸- ۹- ۱۰- ۱۱ بعد آموزشی،
 گویه‌های شماره ۱۲- ۱۳- ۱۴- ۱۵- ۱۶- ۱۷- ۱۸- ۱۹- ۲۰- ۲۲- ۲۳- ۲۴- ۲۵- ۲۶ بعد
 سازمانی، گویه‌های شماره- ۲۷- ۲۸- ۲۹- ۳۰- ۳۱ بعد پژوهشی، گویه‌های شماره ۳۲-
 ۳۳- ۳۴- ۳۵- ۳۶- ۳۷- ۳۸- ۳۹ بعد فرهنگی- اخلاقی و گویه‌های شماره ۴۰- ۴۱-
 ۴۲- ۴۳- ۴۴- ۴۵- ۴۶ بعد فکری را می‌سنجند.

در این پرسش‌نامه منظور از سابقه‌ی کاری به عنوان یکی از متغیرهای مستقل در این پژوهش، تعداد سال‌هایی است که یک استاد در دانشگاه فعالیت نموده است که به شش گروه یعنی ۱ ماه تا ۵ سال و ۱۱ ماه، ۶ سال تا ۱۰ سال و ۱۱ ماه، ۱۱ سال تا ۱۵ سال و ۱۱ ماه، ۱۶ سال تا ۲۰ سال و ۱۱ ماه، ۲۱ سال تا ۲۵ سال و ۱۱ ماه و ۲۶ سال به بالا تقسیم‌بندی گردیده است. میزان آگاهی از قوانین نیز به این صورت سنجیده شد که در قسمت سؤالات جمعیت‌شناختی پرسش‌نامه از استادان پرسیده شد، میزان آگاهی شما از قوانین دانشگاهی به چه میزان است؟ و استادان با پاسخ به آن (کم، متوسط، زیاد) میزان آگاهی خود از قوانین را بیان می‌داشتند.

روایی و پایایی ابزار

روایی ابزار براساس روایی صوری و محتوایی بررسی شد و بدین منظور پرسش‌نامه در اختیار ۱۴ نفر از استادان دانشکده‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی و همچنین حقوق و علوم سیاسی قرار گرفت. ۴۵٪ استادان وضوح آن را بسیار خوب و ۳۶٪ نیز آن را خوب ارزیابی نمودند و تنها ۱۹٪ وضوح آن را متوسط اعلام کردند و هیچ یک از آن‌ها آن را ضعیف یا بسیار ضعیف ارزیابی نکردند. علاوه بر روایی محتوایی و روایی صوری، روایی سازه نیز برآورد شد که نتایج حاصل از آن در جدول ۲ به تفصیل بیان شده است. طبق این جدول همبستگی میان هر یک از عوامل با نمره‌ی کل پرسش‌نامه در دامنه‌ای از ۰/۷۵ تا ۰/۹۳ می‌باشد که بیش‌تر از همبستگی پنج عامل با یک‌دیگر است که دامنه‌ی آن از ۰/۴۸ تا ۰/۸۱ است. بنابراین نتایج به دست آمده از جدول، حکایت از هم‌سانی درونی پرسش‌نامه دارد. علاوه بر این، تحلیل گویه نیز انجام شد که بر اساس آن سؤالات ۱۱ و ۳۷ به دلیل هم‌بستگی پایین حذف گردیدند. برای محاسبه‌ی پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد پنج‌گانه‌ی آموزشی، پژوهشی، سازمانی، فکری، فرهنگی- اخلاقی و نیز کل ابعاد به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۷۳ و ۰/۹۲ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

پرسش ۱: آیا بین میزان آزادی علمی استادان دانشکده‌های مختلف دانشگاه شیراز، تفاوت معنادار وجود دارد؟

به منظور پاسخ به این سؤال از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد لاندای ویلکز با ارزشی به میزان $0/64$ و F به میزان $2/19$ ، در سطح $0/01$ معنادار شده است و این مسأله حاکی از آن است که بین دیدگاه استادان دانشکده‌های مختلف تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج جدول ۳ به عنوان جدول مکمل نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان می‌دهد که در ابعاد پژوهشی و سازمانی به ترتیب بر اساس مقدار F به میزان $2/42$ و $2/25$ با درجه آزادی ۸، به ترتیب در سطح $0/01$ و $0/02$ تفاوت معناداری بین دانشکده‌ها وجود دارد. چون در دو بُعد، تفاوت‌ها معنادار بود از آزمون‌های تعقیبی توکی استفاده شد که نشان داد در بُعد پژوهشی، بین دانشکده‌های علوم و اقتصاد تفاوت معنادار وجود دارد، به این صورت که استادان دانشکده‌های علوم، آزادی علمی بیشتری در این بُعد، نسبت به استادان دانشکده‌های اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دارند. همچنین در بُعد پژوهشی بین دانشکده‌های علوم و هنر و معماری نیز تفاوت معنادار وجود دارد، به این صورت که در این بُعد، استادان دانشکده‌های علوم، آزادی علمی بیشتری نسبت به استادان دانشکده‌های هنر و معماری دارند. در بُعد سازمانی، بین دانشکده‌های ادبیات و کشاورزی تفاوت معنادار وجود دارد به این صورت که استادان دانشکده‌های ادبیات آزادی علمی بیشتری نسبت به استادان دانشکده‌های کشاورزی دارند.

جدول ۲: ماتریس هم‌بستگی عوامل پرسش‌نامه با یک‌دیگر و با نمره‌ی کل

کل	فرهنگی- اخلاقی	سازمانی	آموزشی	فکری	پژوهشی	
					۱	پژوهشی
				۱	$0/66^{**}$	فکری
			۱	$0/48^{**}$	$0/51^{**}$	آموزشی
		۱	$0/62^{**}$	$0/71^{**}$	$0/81^{**}$	سازمانی
	۱	$0/58^{**}$	$0/56^{**}$	$0/59^{**}$	$0/54^{**}$	فرهنگی- اخلاقی
۱	$0/75^{**}$	$0/93^{**}$	$0/78^{**}$	$0/81^{**}$	$0/85^{**}$	کل

$$n=203$$

$$** = P \leq 0/01$$

جدول ۳: جدول نتایج تحلیل واریانس عوامل بین آزمودنی برحسب نوع دانشکده

متغیر مستقل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	مجدور میانگین ها	F	سطح معنی داری
پژوهشی	۳۸۴/۴۴	۸	۴۸/۰۵	۲/۴۲	۰/۰۱
آموزشی	۴۴۵/۳۳	۸	۵۵/۶۶	۱/۴۲	NS
سازمانی	۱۳۸۲/۲۵	۸	۱۷۲/۷۸	۲/۲۵	۰/۰۲
فکری	۲۷۰/۱۲	۸	۳۳/۷۶	۱/۵۸	NS
فرهنگی- اخلاقی	۱۲۸/۶۹	۸	۱۶/۰۸	۰/۹۰	NS

در ادامه، اطلاعات توصیفی نیز برای مقایسه در جدول ۴ بیان گردیده است.

جدول ۴: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در دانشکده‌های مختلف

متغیر مستقل	دانشکده	تعداد	میانگین	انحراف معیار
بُعد پژوهشی	علوم تربیتی و روان‌شناسی	۲۳	۲۱/۲۶	۵/۳۰
	حقوق و علوم سیاسی	۱۵	۲۲/۲۶	۴/۵۵
	اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی	۱۸	۲۰/۵۰	۵/۱۱
	ادبیات و علوم انسانی	۲۶	۲۲/۸۴	۴/۳۰
	مهندسی	۳۳	۲۳/۳۶	۴/۰۶
	علوم	۲۳	۲۵/۰۴	۳/۲۲
	هنر و معماری	۱۵	۱۹/۹۲	۴/۴۷
	دامپزشکی	۲۰	۲۲/۲۰	۴/۲۱
	کشاورزی	۳۰	۲۲/۲۳	۴/۷۳
	کل	۲۰۳	۲۲/۳۷	۴/۵۷
بُعد آموزشی	علوم تربیتی و روان‌شناسی	۲۳	۴۴/۳۹	۹/۲۷
	حقوق و علوم سیاسی	۱۵	۴۵/۸۶	۴/۸۶
	اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی	۱۸	۴۲/۳۳	۶/۳۸
	ادبیات و علوم انسانی	۲۶	۴۵/۴۶	۵/۱۵
	مهندسی	۳۳	۴۶/۰۶	۴/۷۶
	علوم	۲۳	۴۳/۴۳	۵/۲۵
	هنر و معماری	۱۵	۴۰/۸۰	۷/۸۸
	دامپزشکی	۲۰	۴۴/۴۰	۶/۸۱
	کشاورزی	۳۰	۴۴/۲۰	۵/۶۷
	کل	۲۰۳	۴۴/۳۲	۶/۳۱
علوم تربیتی و روان‌شناسی	حقوق و علوم سیاسی	۱۵	۵۲/۵۳	۸/۳۹
	اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی	۱۸	۴۸/۰۵	۹/۹۶
	علوم تربیتی و روان‌شناسی	۲۳	۴۸/۴۳	۱۰/۷۵

بررسی میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز با توجه به متغیرهای... ۴۳

۷/۳۰	۵۳/۳۴	۲۶	ادبیات و علوم انسانی	بُعد سازمانی
۷/۹۵	۵۰/۹۰	۳۳	مهندسی	
۷/۱۹	۵۲/۴۷	۲۳	علوم	
۹/۲۰	۴۵/۵۳	۱۵	هنر و معماری	
۸/۱۷	۵۰/۴۰	۲۰	دامپزشکی	
۹/۶۰	۴۶/۳۳	۳۰	کشاورزی	
۸/۹۶	۴۹/۸۶	۲۰۳	کل	
۵/۹۴	۲۴/۱۳	۲۳	علوم تربیتی و روان‌شناسی	بُعد فکری
۵/۸۳	۲۴/۹۳	۱۵	حقوق و علوم سیاسی	
۴/۹۳	۲۲/۶۶	۱۸	اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی	
۳/۹۰	۲۵/۸۴	۲۶	ادبیات و علوم انسانی	
۳/۸۷	۲۴/۲۴	۳۳	مهندسی	
۳/۹۵	۲۵/۵۶	۲۳	علوم	
۵/۰۵	۲۴/۸۰	۱۵	هنر و معماری	
۳/۴۷	۲۲/۵۰	۲۰	دامپزشکی	
۴/۸۱	۲۲/۹۳	۳۰	کشاورزی	
۴/۶۷	۲۴/۰۹	۲۰۳	کل	
۴/۴۹	۳۰/۳۰	۲۳	علوم تربیتی و روان‌شناسی	بُعد فرهنگی-اخلاقی
۳/۵۳	۳۱/۳۳	۱۵	حقوق و علوم سیاسی	
۳/۷۷	۲۹/۵۰	۱۸	اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی	
۳/۸۲	۳۰/۳۰	۲۶	ادبیات و علوم انسانی	
۳/۵۸	۲۹/۴۵	۳۳	مهندسی	
۳/۸۵	۲۹/۴۷	۲۳	علوم	
۴/۱۳	۲۸/۴۶	۱۵	هنر و معماری	
۳/۷۹	۲۹/۷۰	۲۰	دامپزشکی	
۴/۰۳	۲۸/۴۶	۳۰	کشاورزی	
۴/۲۰	۲۹/۶۱	۲۰۳	کل	

پرسش ۲: آیا بین میزان آزادی علمی استادان مرد و زن دانشگاه شیراز، تفاوت

معنادار وجود دارد؟

به منظور پاسخ به این سوال نیز از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد لاندای ویلکز با ارزشی به میزان $0/198$ و F به میزان $0/47$ معنادار نشده است و این یعنی این که بین دیدگاه استادان زن و مرد دانشگاه از لحاظ ابعاد مختلف آزادی علمی تفاوت معناداری وجود ندارد. در نتیجه با فرض یکسان بودن سایر شرایط، هیچ تفاوتی بین یک زن با یک مرد عضو هیأت علمی دانشگاه در ابعاد آموزشی،

پژوهشی، سازمانی، فکری و اخلاقی آزادی علمی وجود ندارد. این نتایج در جدول ۵ بیان شده است.

جدول ۵: جدول نتایج تحلیل واریانس عوامل بین‌آزمودنی بر حسب جنسیت

متغیر مستقل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین‌ها	F	سطح معنی‌داری
پژوهشی	۰/۰۷	۱	۰/۰۷	۰/۰۰۴	NS
آموزش	۱۸/۵۱	۱	۱۸/۵۱	۰/۴۶	NS
سازمان	۶/۷۵	۱	۶/۷۵	۰/۰۸	NS
فکری	۳/۱۳	۱	۳/۱۳	۰/۱۴	NS
فرهنگی - اخلاقی	۱/۱	۱	۱/۱	۰/۰۰۶	NS

در ادامه، اطلاعات توصیفی نیز برای مقایسه در جدول ۶ بیان گردیده است.

جدول ۶: جدول آمار توصیفی متغیرهای پژوهش با توجه به جنسیت استادان

متغیر وابسته	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
پژوهشی	زن	۳۰	۲۲/۳۳	۴/۷۹
	مرد	۱۷۳	۲۲/۳۸	۴/۵۴
	کل	۲۰۳	۲۲/۳۷	۴/۵۷
آموزشی	زن	۳۰	۴۳/۶۰	۶/۱۷
	مرد	۱۷۳	۴۴/۴۵	۶/۳۴
	کل	۲۰۳	۴۴/۳۲	۶/۳۱
سازمانی	زن	۳۰	۵۰/۳۰	۹/۵۴
	مرد	۱۷۳	۴۹/۷۸	۸/۸۸
	کل	۲۰۳	۴۹/۸۶	۸/۹۶
فکری	زن	۳۰	۲۳/۸۰	۵/۳۱
	مرد	۱۷۳	۲۴/۱۵	۴/۵۶
	کل	۲۰۳	۲۴/۰۹	۴/۶۷
فرهنگی - اخلاقی	زن	۳۰	۲۹/۶۶	۵/۱۹
	مرد	۱۷۳	۲۹/۶۰	۴/۰۲
	کل	۲۰۳	۲۹/۶۱	۴/۲۰

پرسش ۳: آیا بین میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز دارای مرتبه‌ی علمی

مختلف، تفاوت معنادار وجود دارد؟

به منظور پاسخ به این سؤال نیز از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. نتایج

تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد لاندای ویلکز با ارزشی به میزان ۰/۷۹ و F به میزان

۳/۱۶، در سطح ۰/۰۰۱ معنادار شده است و این مسأله حاکی از آن است که بین دیدگاه

استادان دارای مرتبه‌ی علمی مختلف دانشگاه از لحاظ ابعاد مختلف آزادی علمی تفاوت

معناداری وجود دارد. نتایج جدول عوامل بین‌آزمودنی به عنوان جدول مکمل نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نیز نشان داد که در چهار بُعد از پنج بُعد آزادی علمی، یعنی در ابعاد پژوهشی، آموزشی، سازمانی و فکری به ترتیب بر اساس F به میزان ۱۰/۵۹، ۳/۲۳، ۵/۶۳ و ۳/۴۳ با درجه‌ی آزادی ۳ و به ترتیب در سطح ۰/۰۰۱، ۰/۰۲، ۰/۰۰۱ و ۰/۰۱ تفاوت معناداری بین دیدگاه استادان با مرتبه‌های علمی مختلف وجود دارد.

جدول ۷: نتایج تحلیل واریانس چند متغیره عوامل بین‌آزمودنی بر حسب

مرتبه‌ی علمی

متغیر مستقل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین ها	F	سطح معنی‌داری
پژوهشی	۵۸۲/۱۳	۳	۱۹۴/۰۴	۱۰/۵۹	۰/۰۰۱
آموزشی	۳۷۴/۱۲	۳	۱۲۴/۷۰	۳/۲۳	۰/۰۲
سازمانی	۱۲۷۱/۴۲	۳	۴۲۳/۸۰	۵/۶۳	۰/۰۰۱
فکری	۲۱۷/۲۹	۳	۷۲/۴۳	۳/۴۳	۰/۰۱
فرهنگی - اخلاقی	۸۵/۹۰	۳	۲۸/۶۳	۱/۶۳	NS

از آنجا که در چهار بُعد تفاوت‌ها معنادار بود از آزمون‌های تعقیبی توکی استفاده شد. این آزمون‌ها نشان دادند در بُعد پژوهشی کسانی که مرتبه‌ی علمی آن‌ها مربی است، نسبت به کسانی که مرتبه‌ی علمی آن‌ها استاد است، آزادی علمی کم‌تری دارند و در همین بُعد کسانی که مرتبه‌ی علمی آن‌ها استادیار است نسبت به کسانی که دانشیار یا استاد هستند، آزادی علمی کم‌تری دارند و کسانی که مرتبه‌ی علمی آن‌ها دانشیار است نسبت به کسانی که مرتبه‌ی علمی آن‌ها استادیار است، آزادی علمی بیش‌تری دارند و کسانی که مرتبه‌ی علمی آن‌ها استاد است نسبت به کسانی که مرتبه‌ی علمی آن‌ها استادیار یا مربی است، آزادی علمی بیش‌تری دارند. از لحاظ میزان آزادی علمی در بُعد آموزشی، کسانی که مرتبه‌ی علمی آن‌ها مربی است، نسبت به کسانی که مرتبه‌ی علمی آن‌ها استاد است، آزادی علمی کم‌تری دارند. از لحاظ میزان آزادی علمی در بُعد سازمانی، کسانی که مرتبه‌ی علمی آن‌ها مربی است، نسبت به کسانی که مرتبه‌ی علمی آن‌ها استادیار است نسبت به کسانی که استاد هستند، آزادی علمی کم‌تری دارند. از لحاظ میزان آزادی علمی در بُعد فکری، کسانی که مرتبه علمی آن‌ها استادیار است نسبت به کسانی که دانشیار هستند، آزادی علمی کم‌تری دارند. در ادامه، اطلاعات توصیفی نیز برای مقایسه در جدول ۸ بیان گردیده است.

پرسش ۴: آیا بین میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز با سابقه‌ی کاری

مختلف، تفاوت معنادار وجود دارد؟

به منظور پاسخ به این سؤال نیز از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد لاندای ویلکز با ارزشی به میزان $0/۳۶$ و F به میزان $۱/۱۷$ معنادار نشده است و این مسأله حاکی از آن است که بین دیدگاه استادان با سابقه‌ی کاری مختلف دانشگاه از لحاظ ابعاد مختلف آزادی علمی تفاوت معناداری وجود ندارد. در نتیجه با فرض یکسان بودن سایر شرایط، هیچ تفاوتی بین یک استاد باسابقه با یک استاد جوان در ابعاد آموزشی، پژوهشی، سازمانی، فکری و اخلاقی آزادی علمی وجود ندارد. این نتایج در جدول ۹ بیان شده است.

جدول ۸: جدول آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش با توجه به مرتبه‌ی علمی

متغیر وابسته	مرتبه علمی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
پژوهشی	مریی	۱۷	۲۱/۲۹	۳/۸۳
	استادیار	۱۱۷	۲۱/۱۷	۴/۵۲
	دانشیار	۳۶	۲۴/۱۶	۳/۹۶
	استاد	۳۳	۲۵/۲۷	۳/۸۸
	کل	۲۰۳	۲۲/۳۷	۴/۵۷
آموزشی	مریی	۱۷	۴۱/۱۱	۶/۹۵
	استادیار	۱۱۷	۴۳/۹۴	۵/۸۵
	دانشیار	۳۶	۴۵/۰۵	۶/۸۰
	استاد	۳۳	۴۶/۵۴	۶/۴۰
	کل	۲۰۳	۴۴/۳۲	۶/۳۱
سازمانی	مریی	۱۷	۴۷/۳۵	۹/۴۰
	استادیار	۱۱۷	۴۸/۲۳	۸/۶۰
	دانشیار	۳۶	۵۲/۳۳	۸/۵۲
	استاد	۳۳	۵۴/۲۴	۸/۶۷
	کل	۲۰۳	۴۹/۸۶	۸/۹۶
فکری	مریی	۱۷	۲۳/۱۷	۵/۲۹
	استادیار	۱۱۷	۲۳/۴۶	۴/۴۵
	دانشیار	۳۶	۲۶/۱۱	۴/۴۱
	استاد	۳۳	۲۴/۶۳	۴/۵۵
	کل	۲۰۳	۲۴/۰۹	۴/۶۷
فرهنگی - اخلاقی	مریی	۱۷	۲۹/۴۱	۴/۰۹
	استادیار	۱۱۷	۲۹/۱۲	۴/۳۳
	دانشیار	۳۶	۳۰/۱۹	۴/۰۶
	استاد	۳۳	۳۰/۷۸	۳/۷۵
	کل	۲۰۳	۲۹/۶۱	۴/۲۰

جدول ۹: جدول نتایج تحلیل واریانس عوامل بین آزمودنی بر حسب سابقه کار

متغیر مستقل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین ها	F	سطح معنی داری
پژوهشی	۷۱۲/۴۵	۳۲	۲۲/۲۶	۱/۰۷	NS
آموزشی	۷۷۱/۳۹	۳۲	۲۴/۱۰	۱/۱۲	NS
سازمانی	۱۶۱۷/۹۶	۳۲	۵۰/۵۶	۱/۳۳	NS
فکری	۳۱۸۷/۳۲	۳۲	۹۹/۶۳	۱/۲۹	NS
فرهنگی - اخلاقی	۶۹۹/۵۴	۳۲	۲۱/۸۶	۱/۲۹	NS

پرسش ۵: آیا بین میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز با سطوح مختلف آشنایی با قوانین، تفاوت معنادار وجود دارد؟

به منظور پاسخ به این سؤال نیز از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نشان داد لاندای ویلکز با ارزشی به میزان $F_{0,87}$ به میزان $2/68$ و با سطح معناداری $0/003$ معنادار شده است و این مسأله حاکی از آن است که بین میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز که دارای سطوح مختلف آشنایی با قوانین هستند، تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج جدول عوامل بین آزمودنی، به عنوان جدول مکمل جدول نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره نیز نشان داد که در پنج بُعد از آزادی علمی، یعنی در ابعاد پژوهشی، آموزشی، سازمانی، فکری و اخلاقی به ترتیب بر اساس F به میزان $5/08$ ، $6/30$ ، $8/71$ ، $5/08$ و $5/50$ با درجه آزادی ۲ و به ترتیب در سطح $0/007$ ، $0/002$ ، $0/0001$ ، $0/007$ و $0/005$ تفاوت معناداری بین دیدگاه استادان با سطوح مختلف آشنایی با قوانین وجود دارد.

چون در پنج بُعد تفاوتها معنادار بود، از آزمونهای تعقیبی توکی استفاده شد که نشان داد در ابعاد پژوهشی، آموزشی، سازمانی، فکری و فرهنگی - اخلاقی استادانی که آگاهی کم یا متوسطی نسبت به قوانین دارند، نسبت به کسانی که آگاهی زیادی دارند، آزادی علمی کمتری احساس می کنند.

جدول ۱۰: نتایج تحلیل واریانس عوامل بین آزمودنی بر حسب آگاهی از قوانین

متغیر مستقل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین ها	F	سطح معنی داری
پژوهشی	۲۰۴/۲۷	۲	۱۰۲/۱۳	۵/۰۸	۰/۰۰۷
آموزشی	۴۷۷/۱۸	۲	۲۳۸/۵۹	۶/۳۰	۰/۰۰۲
سازمانی	۱۳۰۱/۳۹	۲	۶۵۰/۶۹	۸/۷۱	۰/۰۰۰۱
فکری	۲۱۳/۱۹	۲	۱۰۶/۶۰	۵/۰۸	۰/۰۰۷
فرهنگی - اخلاقی	۱۸۶/۰۹	۲	۹۳/۰۴	۵/۵۰	۰/۰۰۵

از آن‌جا که در تمامی ابعاد، تفاوت معنادار شده است، اطلاعات توصیفی این ابعاد نیز برای مقایسه در جدول ۱۱ بیان گردیده است.

جدول ۱۱: آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش بر حسب آگاهی از قوانین

متغیر مستقل	میزان آگاهی	تعداد	میانگین	انحراف معیار
پژوهشی	کم	۱۴	۱۹/۹۲	۳/۷۷
	متوسط	۱۱۱	۲۱/۹۰	۴/۴۴
	زیاد	۷۸	۲۳/۴۸	۴/۶۴
	کل	۲۰۳	۲۲/۳۷	۴/۵۷
آموزشی	کم	۱۴	۴۰/۵۰	۶/۲۲
	متوسط	۱۱۱	۴۳/۶۳	۵/۶۴
	زیاد	۷۸	۴۶/۰۰	۶/۸۰
	کل	۲۰۳	۴۴/۳۲	۶/۳۱
سازمانی	کم	۱۴	۴۲/۴۲	۵/۶۲
	متوسط	۱۱۱	۴۹/۰۹	۸/۵۲
	زیاد	۷۸	۵۲/۲۹	۹/۲۰
	کل	۲۰۳	۴۹/۸۶	۸/۹۶
فکری	کم	۱۴	۲۰/۴۲	۴/۵۵
	متوسط	۱۱۱	۲۴/۱۷	۴/۵۰
	زیاد	۷۸	۲۴/۶۵	۴/۶۹
	کل	۲۰۳	۲۴/۰۹	۴/۶۷
فرهنگی - اخلاقی	کم	۱۴	۲۶/۲۸	۳/۷۷
	متوسط	۱۱۱	۲۹/۵۸	۴/۹۶
	زیاد	۷۸	۳۰/۲۴	۴/۰۸
	کل	۲۰۳	۲۹/۶۱	۴/۲۰

پرسش ۶: کدام‌یک از ابعاد پنج‌گانه‌ی آموزشی، پژوهشی، سازمانی، فکری و

فرهنگی - اخلاقی می‌تواند آزادی علمی استادان را پیش‌بینی کند؟

یافته‌های مندرج در جدول ۱۲ نشان می‌دهد که ۱۱ درصد واریانس آزادی علمی توسط ابعاد پنج‌گانه‌ی آموزشی، پژوهشی، سازمانی، فکری و فرهنگی- اخلاقی پیش‌بینی می‌شود. هم‌چنین بر اساس ضرایب بتا (β) مشاهده می‌شود که بُعد مرتبه‌ی علمی با ضریب بتای ۰/۲۳ و میزان آگاهی از قوانین با ضریب بتای ۰/۱۷ به ترتیب پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار میزان آزادی علمی استادان هستند.

جدول ۱۲: ضرایب رگرسیون جهت پیش‌بینی میزان آزادی علمی اعضای هیأت علمی

متغیر پیش بین	ضریب بتای غیر استاندارد	انحراف استاندارد خطا	ضریب استاندارد (β)	t	سطح معناداری	R	R ²
سابقه	-۰/۰۴	۰/۲۲	-۰/۰۱	-۰/۱۸	NS	۰/۳۴	۰/۱۱
مرتبه	۶/۴۹	۲/۶۲	۰/۲۳	۲/۴۷	۰/۰۱		
جنسیت	-۱/۴۸	۴/۵۹	-۰/۰۲	-۰/۳۲	NS		
قوانین	۷/۱۰	۳/۰۳	۰/۱۷	۲/۳۳	۰/۰۲		
دانشکده	-۱/۱۰	۰/۶۵	-۰/۱۱	-۱/۷	NS		

$$F = ۵ / ۲۵$$

$$P < ۰ / ۰۰۰۱$$

بحث و نتیجه گیری

در این بخش نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل که در قسمت قبل ارائه گردید، با توجه به هر یک از سؤالات پژوهش، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

پرسش ۱: آیا بین میزان آزادی علمی استادان دانشکده‌های مختلف دانشگاه شیراز،

تفاوت معنادار وجود دارد؟

نتایج حاصل از تحلیل واریانس چندمتغیره که برای این سوال استفاده شد، نشان داد که در دو بُعد پژوهشی و سازمانی تفاوت معناداری بین استادان دانشکده‌های مختلف دانشگاه شیراز وجود دارد. نتایج به دست آمده با مطالعات انجام شده توسط طنناش (۱۹۹۴)، براون (۲۰۰۴) و حمدان (۲۰۰۸) هماهنگ و هم‌سو می‌باشد، ولی با نتیجه‌ی پژوهش کلیکسمن (۱۹۸۶) و کیث (۱۹۹۷) ناهماهنگ و ناهم‌سو می‌باشد که می‌تواند به دلیل استفاده از پرسش‌نامه‌ی متفاوت، نمونه‌ی متفاوت و ... باشد.

به نظر می‌رسد یکی از دلایل تفاوت بیان شده عمدتاً ناشی از ماهیت رشته‌های علمی باشد. برای مثال ممکن است استادان دانشکده‌ی علوم با توجه به این که ماهیت مباحث و پژوهش‌های علمی آنان در عرصه‌ی مطالعات علوم تجربی است آزادی علمی بیش‌تری احساس کنند، در حالی که در رشته‌های اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی با توجه به وابستگی موضوعات به ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، آزادی عمل کمتری را احساس کنند.

در خصوص تفاوت آزادی علمی در بُعد سازمانی نیز به نظر می‌رسد که محدودیت‌های سازمانی و اداری فراروی انجام تحقیقات در دانشکده‌ی کشاورزی منجر به بروز این‌گونه تفاوت‌ها شده است.

پرسش ۲: آیا بین میزان آزادی علمی استادان مرد و زن دانشگاه شیراز، تفاوت معنادار وجود دارد؟

نتایج حاصل از تحلیل واریانس چندمتغیره که برای این سؤال استفاده شد نشان داد که تفاوت معناداری بین میزان آزادی علمی استادان زن و مرد دانشگاه وجود ندارد و استادان زن به همان میزانی که استادان مرد آزادی دارند، از آزادی علمی برخوردارند. این نتایج با نتایج تحقیقات کلیکسمن (۱۹۸۶)، کیث (۱۹۹۷)، ریچ (۲۰۰۴)، حمدان (۲۰۰۸) و باتز و والروپ (۲۰۱۰) هماهنگ و هم‌سو می‌باشد، اما با نتایج پژوهش طنناش (۱۹۹۴)، بولاند (۲۰۰۳)، براون (۲۰۰۴) و حسین (۲۰۱۰)، ناهماهنگ و ناهم‌سو است، چرا که این موضوع بسیار متأثر از فرهنگ جامعه‌ی مورد بررسی است، بنابراین این تفاوت در نتایج می‌تواند به دلیل وجود فرهنگ‌های مختلف، مبانی فلسفی متفاوت برای تبیین و تعریف کار و ... باشد.

عدم تفاوت معنادار بین استادان زن و مرد در خصوص برداشت و پنداشت از آزادی علمی، ناشی از: وجود قوانین و مقررات مشابه، تحصیل و آموزش‌های یکسان استادان زن و مرد و فرهنگ و ارزش‌های یکسان حاکم بر محیط کاری استادان زن و مرد در دانشگاه می‌باشد.

پرسش ۳: آیا بین میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز با مرتبه‌ی علمی مختلف، تفاوت معنادار وجود دارد؟

نتایج حاصل از تحلیل واریانس چندمتغیره که برای این سؤال استفاده شد، نشان داد که تفاوت معناداری بین استادان با مراتب مختلف علمی، از لحاظ میزان آزادی علمی وجود دارد، البته برای بُعد فرهنگی- اخلاقی، آزادی علمی تفاوت معناداری بین استادان وجود نداشت. این نتایج با نتایج تحقیقات سکران (۱۹۸۳) و کیث (۱۹۹۷) هماهنگ و هم‌سو می‌باشد، اما با نتایج پژوهش کلیکسمن (۱۹۸۶) و حمدان (۲۰۰۸)، ناهماهنگ و ناهم‌سو است که می‌تواند ناشی از تفاوت در میزان دقت علمی اعمال شده برای انجام تحقیق باشد. تفاوت در داده‌های یادشده می‌تواند ناشی از عواملی هم‌چون بلوغ و سطح بالاتر رشد علمی استادان با مرتبه‌ی علمی بالاتر نسبت به اساتید با مرتبه‌های علمی پایین‌تر، شناخت بیشتر افراد دارای مرتبه‌ی بالاتر از قوانین و مقررات، شناخت عمیق‌تر آنان از ماهیت علم و توسعه‌ی علمی و هم‌چنین مقوله‌ی آزادی علمی و تحقیقاتی، افزایش انتظارات جامعه‌ی

علمی از آزاداندیشی و آزادپژوهی اعضای هیأت علمی با مرتبه‌ی علمی بالاتر و حتی احساس امنیت بیش‌تر آنان، احتمالاً به دلیل رفع مشکلات استخدامی باشد. البته تفاوت‌ها در خصوص بُعد فرهنگی- اخلاقی معنادار نشده است که علت آن می‌تواند ناشی از عوامل دیگری باشد که لازم است در پژوهش مستقل دیگری دلایل و عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی و کاوش قرار گیرد.

پرسش ۴: آیا بین میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز با سوابق کاری مختلف، تفاوت معنادار وجود دارد؟

نتایج حاصل از تحلیل واریانس چندمتغیره که برای این سؤال استفاده شد، نشان داد که تفاوت معناداری بین میزان آزادی علمی استادان و سابقه‌ی کاری آن‌ها وجود ندارد، بنابراین استادان جوان و تازه‌کار، همان اندازه از آزادی علمی برخوردارند که استادان باسابقه چنین آزادی‌هایی را دارند، البته به شرط مساوی بودن سایر شرایط از جمله مرتبه‌ی علمی و میزان آگاهی از قوانین؛ بنابراین بین دو استاد هم مرتبه با میزان آگاهی از قوانین برابر و سایر شرایط دیگر، به صرف سابقه‌ی کاری، تفاوت معناداری بین میزان آزادی علمی آن‌ها وجود ندارد. این نتایج با نتایج تحقیقات کلیکسمن (۱۹۸۶) و حمدان (۲۰۰۸) هماهنگ و هم‌سو می‌باشد، اما با نتایج پژوهش کیث (۱۹۹۷) ناهماهنگ و ناهم‌سو است که می‌تواند به دلیل استفاده از پرسش‌نامه متفاوت، نمونه‌ی متفاوت و ... باشد.

اگر چه ظاهراً به نظر می‌رسد که این یافته با سایر یافته‌های پژوهش در تناقض باشد، اما اگر با دقت به یافته‌های یادشده توجه شود می‌توان گفت که در بین افراد دارای سابقه‌ی کاری بالا، بعضاً افرادی هستند که رتبه‌های علمی آنان استادیار و حتی مربی است که این مسأله مؤید سایر یافته‌هاست. در عین حال این موضوع خود نیازمند انجام تحقیقاتی با دقت و عمق بیش‌تری است تا عوامل مرتبط با این مقوله به نحو تفصیلی مورد شناسایی و بررسی قرار گیرد.

پرسش ۵: آیا بین میزان آزادی علمی استادان دانشگاه شیراز با سطوح مختلف آشنایی با قوانین، تفاوت معنادار وجود دارد؟

نتایج حاصل از تحلیل واریانس چندمتغیره که برای این سؤال استفاده شد نشان داد که تفاوت معناداری بین میزان آگاهی از قوانین و میزان آزادی علمی استادان وجود دارد و این نتیجه برای تمامی ابعاد پنج‌گانه‌ی آزادی علمی معنادار شده است. این نتایج با نتایج تحقیقات کیث (۱۹۹۷) هماهنگ و هم‌سو می‌باشد، اما با نتایج پژوهش کلیکسمن (۱۹۸۶) و حمدان (۲۰۰۸) ناهماهنگ و ناهم‌سو است که می‌تواند ناشی از عواملی هم‌چون اختلافات فرهنگی، تفاوت در نمونه‌ها و ... باشد.

در خصوص این یافته، می‌توان اذعان نمود که آگاهی از قوانین و مقررات و شرایط انجام پژوهش در محافل علمی می‌تواند استادان را آگاهانه و آدار سازد تا از آزادی‌های مصرح قانونی به نحو مطلوب و با طیب خاطر و آرامش روانی بیش‌تری استفاده کنند.

پرسش ۶: سهم هر کدام از عامل‌های مختلف در پیش‌بینی میزان آزادی علمی استادان دانشگاه چقدر است؟

در بررسی سهم هر یک از عوامل مختلف در پیش‌بینی میزان آزادی علمی استادان دانشگاه، از رگرسیون چندگانه استفاده شد. بر اساس ضرایب بتا مشاهده شد که بُعد مرتبه‌ی علمی و میزان آگاهی از قوانین، به ترتیب پیش‌بینی‌کننده‌ی معنادار میزان آزادی علمی استادان هستند. این نتایج با نتایج تحقیق سکران (۱۹۸۳)، هماهنگ و هم‌سو می‌باشد، اما با نتایج پژوهش حمدان (۲۰۰۸)، بخشی از نتایج کلیکسمن (۱۹۸۶) و بخشی از نتایج کیث (۱۹۹۷) ناهم‌سو است که دلایلی که در سایر موارد اشاره شد ممکن است در این‌جا نیز تأثیرگذار بوده باشد.

به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از این ترتیب پیش‌بینی‌کنندگی که عوامل پنج‌گانه‌ی مرتبه علمی، میزان آگاهی از قوانین، نوع دانشکده، جنسیت و سابقه‌ی کاری دارند، به قوانین دانشگاهی برمی‌گردد. از باب مثال قوانین پیرامون مرتبه‌ی علمی به نحوی است که انتظار می‌رود این عامل تأثیر زیادی بر آزادی علمی استادان داشته باشد و یا برعکس همین قوانین طوری تنظیم شده‌اند که با فرض مساوی بودن سایر شرایط، سابقه‌ی کاری تأثیر چندانی بر میزان آزادی علمی استادان نداشته باشد.

همان‌گونه که در بررسی سؤالات تحقیق بیان شد عواملی چون نوع دانشکده، مرتبه‌ی علمی و میزان آگاهی از قوانین بر میزان آزادی علمی استادان تأثیر معنادار دارند که این نتایج می‌تواند برای پیشبرد اهداف علمی کشور بسیار سودمند باشد. باید توجه داشت که این تحقیق اولین پژوهشی است که در سطح کشور پیرامون این موضوع بسیار مهم و راه‌گشا انجام گرفته است بنابراین نیاز به تحقیقات بیش‌تری وجود دارد تا سایر عوامل مؤثر بر آزادی علمی شناسایی گردد. برای نهادینه‌سازی آزادی علمی نیز باید در گام اول تحقیقات بیش‌تر و در ابعاد وسیع‌تری در مورد عوامل مؤثر بر آزادی علمی و نیز راه‌کارهای نهادینه‌سازی آن صورت گیرد و در گام دوم، مسؤولین ذی‌ربط می‌بایست از نتایج حاصل از چنین مطالعاتی در جهت پیشبرد اهداف علمی استفاده نمایند. برای مثال اگر نتیجه گرفته می‌شود که یکی از عوامل مؤثر بر میزان آزادی علمی استادان، میزان آگاهی آنان از قوانین دانشگاهی است، توصیه می‌شود که به استادان دانشگاه در بدو ورود و عضویت در هیأت

علمی دانشگاه، قوانین لازم آموزش داده شود و ایجاد این گونه دوره‌های آموزشی تداوم یابد تا استادان ضمن آشنایی با حقوق خود، با حدود و موضوع آزادی علمی خود نیز آشنا شوند. پژوهش حاضر با تمام محدودیت‌ها، اعم از محدودیت‌های اجرایی مانند عدم وجود منابع لازم که به موضوع آزادی علمی با رویکرد اسلامی- ایرانی پرداخته باشد، عدم همکاری استادان برای پر کردن پرسش‌نامه و ... و نیز محدودیت‌های پژوهشی مثل فقدان پرسش‌نامه‌ی مدون که متناسب با فرهنگ اسلامی- ایرانی کشور باشد، فقدان پژوهش‌های مرتبط با موضوع بررسی میزان آزادی علمی استادان در داخل کشور و ... توانست اولین گام را در این مسیر بردارد، اما پیشنهاد می‌شود سایر محققان علاقه‌مند به این حوزه با انجام برخی اقدامات ادامه‌دهنده‌ی این مسیر باشند، از جمله این که از ابزارهای پژوهشی دیگری علاوه بر پرسش‌نامه در جهت تکمیل نتایج این پژوهش استفاده کنند، بر روی پرسش‌نامه‌ی استفاده شده در این پژوهش، تحلیل عامل انجام دهند، در مورد مواردی مثل ارتباط بین شخصیت استاد با میزان آزادی علمی او، ارتباط بین جایگاه سازمانی استاد با میزان آزادی علمی او، تأثیر وجود امکانات میزان آزادی علمی استادان در رشته‌های مختلف و ... تحقیقاتی علمی انجام دهند تا بر غنای علمی این مفهوم بیش از پیش افزوده گردد.

منابع

الف. فارسی

۱. استوارت میل، جان. (۱۳۶۲). رساله درباره آزادی. مترجم: ج. شیخ الاسلام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۸). اگزستانسیالیسم. مجله معارف. ۶۸: ۲۲-۱۵.
۳. داوری‌اردکانی، رضا. (۱۳۸۶). درباره علم. چاپ دوم. تهران: نشر هرمس.
۴. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۸۱). موانع رشد علمی در ایران و راه‌حل‌های آن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. ژری‌ارس، هانری. (۱۳۷۹). علم، شبه علم، علم دروغین. مترجم: ع. باقری. تهران: نشر نی.
۶. سید رضی، ابوالحسن، محمد (بن حسین بن موسی) موسوی بغدادی معروف به سید رضی. (۱۳۸۴). نهج البلاغه. مترجم: م. دشتی. قم: انتشارات میراث ماندگار.
۷. شریعتمداری، علی. (۱۳۸۵). اصول فلسفه و تعلیم و تربیت. چاپ بیست و نهم. تهران: انتشارات امیر کبیر.

۸. شعاری‌نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۳). **فلسفه آموزش و پرورش**. چاپ هفتم. تهران: نشر امیرکبیر.
۹. شهید ثانی، زین‌الدین (بن علی بن احمد) عاملی معروف به شهید ثانی. (۱۳۶۳). **منیه المرید فی آداب المفید و المستفید**. مترجم: سید م. ب. حجتی. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. عابدینی مطلق، کاظم. (۱۳۸۶). **نهج الفصاحه [کلمات قصار پیامبر اعظم (ص)]**. چاپ دوم. قم: نشر فراگفت.
۱۱. فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۳). **آزادی علمی**. تهران: دفتر مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۶۹۵۴، کد موضوعی ۴۱۰.
۱۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). **آزادی معنوی**. چاپ سی و سوم. تهران: انتشارات صدرا.
۱۳. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۸۵). **نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش**. چاپ هجدهم. تهران: انتشارات طهوری.

ب. انگلیسی

14. Bates, Homer, I. & Waldrup, Bobby.E. (2010). Faculty members and assigning course grade. **Journal of College Teaching & Learning**. 7(5): 25-30.
15. Boland, M. (2003). **Academic Freedom and SStruggle for the subject of composition**, Ph.D. thesis. The University of Rocheter.
16. Britinian dictionary. (2009).
<http://www.britanica.com/Ebchecked/topic/2591/academic-freedom>.
17. Browyn,Adam. (2004). **How faculty make sense administrative methods and motives for change**, Ph.D.thesis.Syracuse University.
18. Clicxsmen, John. (1986). Institutional Openness and Individual faculty Academic Freedom. **Journal of Academe**. 72(5): 16-18.
19. Groof, J. D.; Neave. G & Svec. J. (1998). **Democracy and governance in higher education**. Boston: Kluwer law international.
20. Hamdan, Dana. Lutfi. (2008). **Relationship between Academic Freedom and Institutional Commitment As Perceived by Faculty Members at Palestinian Universities** .M.A. thesis. An-jajah jational University in Palestinian.
21. Husain,Mary.A. (2010).**Academic Freedom: Costs, Consequences, and Resistance**. Ph.D. thesis.California State University.

-
22. Keith, K. M.(1997). **Faculty Attitudes Toward Academic Freedom**. Available at: <http://digital.library.unt.edu/ark:/67531/metadc3265/> Popper.
23. Rich, Arthur. Allan. (2002). **Historical Study of Public College and University**, Ph.D. thesis.The Florida state University. U.S.A.
24. Socran, Mohammad. (1983). Academic freedom in the light of the functions of university education in Egypt.Ph.D. **Thesis**. Ain Shams University, Cairo, Egypt.
25. Tannash, salamah. (1994). The concept of academic freedom to the faculty members in University of Jordan. **Journal of Human Sciences, University of Jordan**. 2(5): 101-117.
26. World University Service. (2002). **The Lima declaration on academic freedom and autonomy of higher education**. New York: Mc Graw Hill, Inc.

Archive of SID